

نگاه‌خانه

مدت‌زمان مشاهده اثر هنری

ترانه‌سلطانی

نظریه‌پردازی، تحقیق و مطالعات نظری مختلف درباره هنر و چیستی هنر از دیرباز مورد توجه هنرمندان و فلاسفه بوده است. در طول تاریخ، این بحث‌ها گسترش یافته و جدای از مفاهیم اولیه‌ای مثل زیبایی‌شناسی که هنوز هم مورد بحث و مناقشه است، به مفاهیم پیچیده و حتی بینارشته‌ای رسیده است. گفت‌وگو درباره این مباحث منجر به به‌وجودآمدن سبک‌ها و نظریات مختلفی در هنر شد که درنهایت حتی جنبش‌های هنری مختلفی را در تاریخ هنر رقم زد. پژوهش، تفسیر، نقد و در شکل کلی، مطالعات هنری همسو با تولیدات هنری پیش رفته و همچنان که از هم تأثیر گرفته، بر هم نیز تأثیر گذاشته‌اند. به گونه‌ای شاید بتوان ادعا کرد که زیستن در جهان هنری بدون پشتوانه پژوهشی، شبیه جهانی خواهد بود که تاریخش به سر آمده است.

امروزه یکی از مباحث مهم و مورد علاقه پژوهشگران حوزه هنری، رفتارشناسی یا بررسی رفتار مخاطب در مواجهه با اثر هنری است. این پژوهش‌ها این امکان را فراهم می‌کنند تا بتوان به شناخت بهتری از اثر هنری، هنرمند و مخاطب دست یافت.

یکی از بی‌شمار پرسش‌هایی که فراروی پژوهشگران هنری قرار گرفته است، مدت‌زمانی است که فرد صرف مشاهده آثار هنری می‌کند. آیا این زمان سبزی‌شده ارتباطی با ویژگی‌های اثر هنری یا حتی محل نمایش آن دارد؟ چه فاکتورهایی باعث افزایش یا کاهش زمان نگاه‌کردن به یک اثر هنری می‌شود؟ در سال ۲۰۰۱ پژوهشی در موزه متروپولین انجام شد (J. K. Smith & Smith, 2001) که در آن از ۱۵۰ نفر بازدیدکننده خواسته شد به شش اثر هنری مختلف نگاه کنند. در این پژوهش، سن هنرمندان و جنسیت آنها ذکر نشده بود و صرفاً اندازه آثار متفاوت بود. شاید عجیب نباشد که مدت‌زمان مشاهده آثار بزرگ بیشتر از آثار کوچک گزارش شده است. براساس این پژوهش، میانگین زمان مشاهده اثر هنری ۱۷ ثانیه بود که بیشترین زمان ۲۷٫۲ ثانیه صرف تماشای اثر بزرگ و ۱۰ ثانیه کوتاه‌ترین زمان مشاهده برای اثر کوچک بود. همچنین در سال ۲۰۱۷ پژوهش دیگری برای بررسی مجدد نتایج متروپولیتن در مؤسسه هنر شیکاگو انجام شد که در این پژوهش از جامعه آماری بیشتر و تنوع بیشتری از آثار هنری استفاده شد. اما نتایج به طور درخور توجهی مشابه نتایج مقاله سال ۲۰۰۱ بود.

در ادامه پژوهشی دیگر (On the mutual relation between art experi-ence and viewing time (۲۰۲۰)) که در سال ۲۰۲۰ انجام شد و فاکتورهایی را به عنوان عوامل مؤثر در افزایش مدت‌زمان مشاهده اثر هنری معرفی کرد. در این پژوهش از سه گروه دانشجویان رشته روان‌شناسی در مقطع لیسانس خواسته شد آثار هنری را براساس قدردانی (appreciated, درک (understood)، مدت‌زمانی که دوست دارند اثر را تماشا کنند و همچنین پیچیدگی (complexity) اثر تقسیم کنند. آثار هنری بسته به هر گروه به مدت‌زمان ۱۷٫۵ و ۳۰ ثانیه نمایش داده شد.

در هفته بعد همین آثار به دانشجویان نمایش داده شد و از آنها خواسته شد تا خودشان بازه زمانی مشاهده را مشخص کنند. نتایج به طور شگفت‌انگیزی نشان داد مخاطبانی که مدت‌زمان میانگین ۱۷ ثانیه را مشاهده کردند، بالاترین امتیاز قدردانی (پسندیده‌شدن) را از اثر هنری داشته‌اند. این مطالعه نشان داد که طولانی‌شدن مدت‌زمان مشاهده نشان از مورد پسند بودن بیشتر نیست؛ زیرا بیشترین امتیاز قدردانی برای زمان متوسط ۱۷ ثانیه بود. زمان ۳۰ ثانیه صرف مشاهده آثاری شد که از نظر مخاطب پیچیده‌تر بودند.

در ادامه این مسیر، پژوهشی از سوی نویسنده این مقاله در بهار سال ۲۰۲۴ در محیط گالری انجام شد که از ۴۰ نفر مخاطب گالری خواسته شد ۱۲ اثر هنری مختلف را مشاهده کرده و به آنها براساس میزان پیچیدگی و اینکه چقدر اثر هنری را درک کرده‌اند، از یک تا هفت امتیاز دهند. همچنین از مخاطبان خواسته شد آثار را براساس مدت‌زمانی که صرف تماشای آن کردند، به ترتیب از بیشترین تا کمترین قرار دهند.

نتایج به‌دست‌آمده در این آزمون در راستای داده‌های مقاله‌های بالا بود. چنانچه مشاهده شد، آثاری که بیشترین امتیاز پیچیدگی را گرفته و مخاطب کمتر توانسته اثر هنری را درک کند، مدت‌زمان بیشتری از طرف او مشاهده شده است. می‌توان نتیجه گرفت هرچه اثر از نظر مخاطب پیچیده‌تر باشد و البته جزئیات بیشتری داشته باشد، زمان بیشتری را هم صرف تماشای اثر هنری می‌کند.

در قسمت بعدی برای بررسی میزان تأثیر محیط گالری و مشاهده مستقیم اثر در مقابل مشاهده تصویر اثر هنری، تصویر عکاسی‌شده آثار به گروه ۴۰نفره دیگری از افراد نشان داده شد. از این افراد هم خواسته شد تا به این ۱۲ تصویر از یک تا هفت براساس میزان درک‌شدگی اثر و میزان پیچیدگی آن امتیاز داده و سپس آثار را به ترتیب مدت‌زمانی که مشاهده کردند، از بیشترین تا کمترین قرار دهند. در این قسمت نتیجه با آنچه در گالری رخ داد، متفاوت بود. آثاری که از نظر مخاطب پیچیده‌تر بودند و فهم سخت‌تری داشتند، بیشترین زمان مشاهده را دریافت نکردند. همان‌گونه که پیش‌بینی می‌شد، این نتایج نشان داد محیط گالری و مشاهده خود اثر در مقابل تصویر آن بر تجربه هنری و رفتار تماشای افراد تأثیر مستقیم دارد.



اثر:

سیدرضا حسینی



اثر:

مهدی احمدی

نقطه تلاقی جست‌وجو و سکوت

گفت‌وگو با گیتی نوروزیان به بهانه نمایشگاه طوطیان سرخ



حسین کنجی

گیتی نوروزیان (متولد ۱۳۴۷) دکترای پژوهش هنر و کارشناسی ارشد پژوهش هنر خود را از دانشگاه تهران و مدرک کارشناسی نقاشی خود را از دانشگاه الزهراء(س) اخذ کرده است.

در کارنامه او برگزاری نمایشگاه در گالری‌هایی مانند سیحون و فام (با همکاری سازمان ملل متحد)، فرهنگسرای نیاوران، گالری مرکزی مینسک (بلاروس)، گالری دل‌آرته لندن، گالری مونترو سوئیس و چندین و چند گالری دیگر به چشم می‌خورد. «طوطیان سرخ» نام مجموعه تازه از آثار او و نمایشگاه اخیرش در گالری شمیمس است. فواد نجم‌الدین در استیتمنت

❌ بهتر است اگر موافق باشید از عنوان مجموعه آثار تازه به نمایش درآمده شما آغاز کنیم. «طوطیان سرخ» از کجا سر برآورد؟

عنوان طوطیان سرخ در جریان شکل‌گیری مجموعه پدید آمد؛ در فرایند تجربه با مواد متفاوت، رنگ‌ها و فرم‌ها، این عنوان پاسخی است به روندی درونی که در جریان خلق این مجموعه برایم رخ داد؛ روندی که از تجربه‌های ناخودآگاه و مفهومی شکل گرفت. مفاهیمی که از چند سال پیش وارد ضمیر ناخودآگاه جمعی مردم ایران شد و نمایانگر نسلی شد که برای من رنگی سرخ داشتند، آمدند و خیلی زود پر کشیدند.

❌ شما روی متون ایرانی بسیار کار کرده‌اید. عنوان نمایشگاه و به طور کلی آثارتان چقدر ریشه در ادبیات عرفانی شرقی و به‌ویژه داستان معروف عطار دارد؟

اگرچه در طول سال‌ها مطالعه بر متون کلاسیک تأثیراتی در ناخودآگاه من شکل گرفته است، اما در روند خلق این مجموعه، ارجاع مستقیم یا آگاهانه‌ای به متون خاصی نداشته‌ام. آنچه در آثارم دیده می‌شود، بیشتر حاصل مواجهه شخصی من با تجربه‌های زیسته است. البته نمی‌توان انکار کرد که روح حاکم بر نسخ خطی مصور که کتاب‌آرایی ادبیات ایرانی را تشکیل می‌دهند در قالب رنگ و فرم، به صورت بی‌واسطه در لایه‌های پنهان آثار حضور دارند، اما این حضور به شکل نمادپردازی با روایت مستقیم که عموماً رایج است یا انتظار می‌رود، انجام نشده است.

❌ مشتاقم بدانم چه شد که به سمت هنر رفیند و از میان رشته‌های مختلف به نقاشی علاقه‌مند شدید؟

ورود من به دنیای نقاشی از دوران راهنمایی و به صورت اتفاقی آغاز شد. در دبیرستان شاگرد پتگر شدم و همین مسیر، مرا به تحصیل در رشته هنر کشاند. با وجود ضعف آموزش آکادمیک در آن دوران، نقاشی برایم به بستری برای تجربه و بیان درونی تبدیل شد و هنوز هم با علاقه ادامه‌اش می‌دهم.

❌ بعد از خواندن نقاشی به سراغ پژوهش هنر رفیند. چقدر امر پژوهش را بر کار هنری اثرگذار می‌دانید؟

بی‌نهایت! برای من، نقاشی بدون پشتوانه فکری و احساسی بی‌معناست. به‌دلیل علاقه‌ام به کنجکاوی و فهم عمیق‌تر هنر، به سمت پژوهش هنر رفتم. باور دارم پژوهش، هم درک آثار را عمیق‌تر می‌کند و هم فرایند خلق را آگاهانه‌تر می‌کند، به‌ویژه در دنیای امروز که آگاهی تاریخی و مفهومی اهمیت دارد.

❌ رنگ‌ها در آثار شما نقش مهمی بر عهده دارند؛ به‌ویژه وقتی تشدید شده و متضاد هم به کار گرفته می‌شوند. رنگ برای شما چه معنایی دارد و چه باری را در آثار شما بر دوش می‌گذد؟
رنگ در آثار من فقط یک عنصر زیبایی نیست، بلکه زبان بیان من است. وقتی کلمات ناتوان می‌شوند، رنگ‌ها احساسات، تضادها و تجربه‌ها را بازگو می‌کنند. تضادهای رنگی بازتاب تنش‌های درونی و پیچیدگی‌های زندگی‌اند. برای من، خلق اثر سفری است در لحظه، با پذیرش تضادها و اشتباه‌ها. رنگ‌ها در کارهایم زنده‌اند، حرکت می‌کنند و معناهایی می‌سازند که از پیش تعیین نشده‌اند. رنگ برای من نه ابزار، بلکه همراهی زنده و جاری است.

❌ شما در گفت‌وگویی گفتید: «منی خواهم به مدرنیته نابی دست بزنم که در همه جای دنیا وجود دارد. می‌خواهم هر وقت هرکس و هرکجا اثری را از من ببیند، احساس کند که آن اثر از دنیای شرق برخاسته و حس عشق و عرفان ایران است». اکنون فکر می‌کنید همچنان آن زبان ایرانی و نگاه ایرانی در کارهای شما هست؟ انتزاع و نگاه هنر مدرن جهانی پررنگ‌تر نشده است؟

منظورم از «دنیای مدرن»، جهان متأثر از تحولات فکری، صنعتی و فرهنگی سده‌های نوزدهم و بیستم است؛ اما امروز در جهانی پست‌مدرن زندگی می‌کنیم که چندلایه، متکثر و پرسشگر است. هنر مدرنیستی و معاصر متمایزند و شناخت تفاوت‌شان برای هنرمند ضروری است. هنر معاصر، علاوه بر تجربه فرم، به ریشه‌ها، عناصر بومی و زیست‌محیطی نیز توجه دارد؛ موضوعاتی که مرا به تجربه دعوت می‌کنند.

❌ سرچشمه و به تعبیر دیگر، منبع اصلی برداشت ایده‌ها و اندیشه‌های شما برای رسیدن به یک اثر در روزگار معاصر کجاست؟

منبع اصلی ایده‌هایم تجربه زیسته و لحظات ناگهانی تأثیرگذار است. در فرایند خلق، اثر خودش مرا هدایت می‌کند و از پیش نقشه دقیقی ندارم. به تصادف و ناخودآگاه اهمیت می‌دهم و در کنار شهود، مطالعات نظری‌ام نیز نقش دارند. برای من، ایده نقطه شروع نیست، بلکه مسیری است برای کشف، شناخت جهان و خودم.

❌ تا چه حد متأثر از محیط و پیرامون خود و البته اخبار و مسائل اجتماعی و فرهنگی هستید و آنها را پیگیری می‌کنید و بر اساس آنها دست به خلق اثر می‌زنید؟

من خود را جدا از جامعه نمی‌بینم و از فضای اجتماعی و فرهنگی تأثیر می‌گیرم، اما این تأثیر در آثارم مستقیم یا شعاری نیست. واکنش‌هایم درونی، تأملی و بیشتر به صورت حس و فرم ظاهر می‌شوند، نه روایت. اضطراب یا اندوه ناشی از بحران‌ها ممکن است در رنگ یا



این نمایشگاه آورده است: «مجموعه حاضر روایت داغ و نشان تنگنا و دردی است که در این سالیان به تجربه مشترک همگان بدل شد. از بدن‌ها و بیکرها فراتر رفت و صورتی ازلی یافت. طوطیان گیتی نوروزیان بارها و بارها روایت و تصویر شده‌اند. هر بار بیشتر و بیشتر سُفته‌اند و صیقل یافته و پالوده‌اند، تا آنکه از آنها تنها سرخی درد مشترکشان مانده و درهم‌تنیدگی بختشان. تا بلکه گره گشوده شود و این سرخ‌های مصور، از چله به‌هم‌بافته بخت رها شوند». این نمایشگاه بهانه‌ای شد تا با گیتی نوروزیان به گفت‌وگو بنشینیم.



بافت نمود پیدا کند. آثارم بازتابی درونی‌شده از شرایط بیرونی‌اند، نه گزارش یا بیانیه.

❌ چقدر هنگام خلق اثر خود را رها می‌کنید و به ناخودآگاه خود می‌سپارید و چقدر در قید خودآگاه و ایده از پیش فکر شده هستید؟ برای ما از مسیر رسیدن به سوژه و اثر و سبک کاری خود بگویید.

خلق اثر برای من تجربه‌ای آزاد و بی‌نقشه است. ایده‌های اولیه ممکن است حضور داشته باشند، اما در حین کار ناخودآگاه است که مرا هدایت می‌کند. من اثر را کنترل نمی‌کنم، بلکه به آن گوش می‌دهم و فضا می‌دهم تا خود مسیرش را پیدا کند. سوژه‌ها در کارم از تجربه و تعامل با مواد شکل می‌گیرند، نه از تفکر. اگرچه مطالعه و تأمل اهمیت دارند، اما در فرایند خلق آنها را رها می‌کنم تا چیزی تازه و ناشناخته شکل بگیرد. برای من هر اثر مانند سفری است که آغازش مشخص است، اما پایانش نامعلوم.

❌ در هنر با دو دیدگاه مواجه هستیم که یکی زیبایی را امر جداپذیر هنر می‌داند و دیگری سهم جدی‌تری برای مفهوم قائل است ولو اگر زیبایی از دست برود. شما به کدام معتقدید و زیبایی برای شما در هنر چگونه تعریف شده یا دیده می‌شود؟

زیبایی در هنر معاصر نسبی است و نمی‌توان آن را به تعریفی ثابت محدود کرد. در کار من، حس، تجربه و کنجکاوی مهم‌تر از زیبایی کلاسیک‌اند. زیبایی‌ای که مرا جذب می‌کند، ممکن است ابتدا نازیبا یا خشن به نظر برسد، اما اگر حامل تجربه‌ای عمیق باشد، به زیباترین شکل درمی‌آید. هدفم از خلق اثر رسیدن به زیبایی چشم‌نواز نیست، بلکه درک چیزی ناشناخته است. زیبایی واقعی برای من در صداقت و کشف نهفته است.

❌ ریشه درخت و بال پرنده دو المان پررنگ‌ار و محوری در مجموعه اخیر است. هر دو برای شما چه معنایی دارد و چگونه در عین تضاد، که گویی یکی از آسمان و دیگری به اعماق زمین مرتبط است، کنار هم قرار می‌گیرد؟

ریشه درخت و بال پرنده در مجموعه اخیر من بدون برنامه‌ریزی قبلی و به طور ناخودآگاه در کار ظاهر شدند. این دو تصویر گرچه متضاد به نظر می‌رسند، برای من نماد تکامل هم‌زمان هستند. من همیشه بین میل به ریشه‌داشتن و میل به پرواز زندگی کرده‌ام و این دو گاهی در تقابل می‌کند. هر دو هم‌پوشانی ظاهری می‌شوند. کنار هم آمدن ریشه و بال نماد وضعیت انسانی است که هم به گذشته و فرهنگ خود متصل است و هم در جست‌وجوی رهایی و ساختن معناهایی جدید.

❌ شما تجربه ارانه آثارتان هم در ایران به تکرار و هم در خارج از ایران را دارید. نگاه بیرونی به هنر ایران و آثار ایرانی چگونه است؟

آثار من در ایران و خارج از کشور به نمایش گذاشته شده‌اند و این‌ت تجربه مرا با نگاه‌های متفاوتی روبه‌رو کرده است. نگاه خارجی به هنر ایران معمولاً با کنجکاوی و جست‌وجوی عمق، حس شرقی و فرهنگی متفاوت همراه است. به نظر من، جذابیت هنر ایرانی برای مخاطب خارجی، تلاقی زبان جهانی هنر مدرن با ریشه‌ها و احساسات شرقی است. من به دنبال ایجاد گفت‌وگویی میان این‌ دو جنبه از هویتم بوده‌ام؛ نه تقلید از هنر جهانی و نه واپس‌گرایی، بلکه ترکیبی از آنچه در من شرقی است و آنچه جهانی است.

❌ عمده آثار شما انتزاع است و انتزاع به نوعی حاصل بی‌شکلی است. تغزل هم به نوعی حاصل خیال است که شما هر دو وجه را در آثارتان دارید. چطور انتزاعی غربی را با مفاهیم ایرانی کنار هم تعریف می‌کنید؟ آیا می‌توان گفت یک‌جور در میان سنت و مدرنیته، غرب و شرق منزل کرده‌اید؟

بله، آثار من عمدتاً انتزاعی هستند، اما این انتزاع برایم ترکیبی از تخیل، تغزل و حس‌گرایی شرقی است. من در مرز بین بی‌شکلی مدرن و خیال شاعرانه ایرانی زندگی می‌کنم. انتزاع برای من تنها رهایی از بازنمایی نیست، بلکه بستری برای ابراز احساسات و تجربیات ناپیدااست. در میان سنت و مدرنیته، شرق و غرب، خانه‌ای ساختم‌ام که در آن نه کاملاً در هیچ‌کدام مستقر شده‌ام و نه دیگری را طرد کرده‌ام. مهم‌تر از آنکه اثرم شرقی یا غربی شناخته شود، این است که صادق باشد و با تجربه و روح من همخوانی داشته باشد. این مرزها برایم ابزارند، نه مقصد.

❌ از آثار نمایشگاه اخیر بگویید و چطور شد که به فکر برگزاری این نمایشگاه افتادید و آیا مجموعه به نمایش درنیاמה و کار تازه‌ای در راه دارید؟ از آینده بگویید.

نمایشگاه اخیرم نقطه تلاقی چندین سال تجربه، جست‌وجو و سکوت بود. احساس کردم وقتش رسیده مجموعه‌ای از کارها را که در یک دوره خاص شکل گرفته بودند، با مخاطب به اشتراک بگذارم. فرم‌ها، رنگ‌ها و رابطه میان تصادف و کنترل در این نمایشگاه کنار هم قرار گرفتند. ایده نمایشگاه از دل کارها بیرون آمد و به طور طبیعی شکل گرفت. این آثار نیاز به دیده‌شدن داشتند، نه برای تأیید، بلکه برای گفت‌وگو با دیگران. هنوز آثاری هستند که در سکوت رشد کرده‌اند و کارهای جدیدی در راه است. تکرار برایم آزاردهنده است و همیشه در حال تجربه‌کردن هستم. آینده برایم شوق‌آور است چون هنوز چیزهای زیادی هست که نمی‌دانم.



نگارخانه

آرت فرودبی در آخرین

روزهای فروردین‌ماه

آرت دویی مهم‌ترین رویداد هنرهای تجسمی منطقه، ۱۸ تا ۲۰ آپریل/ ۲۹ تا ۳۱ فروردین‌ماه مثل هر سال در دویی برگزار می‌شود. این رویداد و آرت‌هر هنری، هرساله در اسفندماه برگزار می‌شد که در دوره جدید به دلیل ماه رمضان به تاریخ ۱۸ تا ۲۰ آپریل، آخرین روزهای فروردین‌ماه منتقل و در مدینه الجمیرا برگزار خواهد شد و پیش‌نمایش ویژه آن برای مدعوین خاص در تاریخ‌های ۱۶ و ۱۷ آپریل انجام می‌شود. از زمان تأسیس این نمایشگاه جذاب در سال ۲۰۰۷، آرت دویی نقشی کلیدی و نهادی در رشد صحنه‌های فرهنگی محلی و منطقه‌ای ایفا کرده است. برنامه سال ۲۰۲۵ این نمایشگاه نیز بیانگر تعهد آن به فراهم‌سازی فرصت‌های برجسته برای سفارش آثار هنری از سوی هنرمندان محلی و بین‌المللی، گردهم‌آوردن خلاق‌ترین چهره‌های هنری جهان از طریق نشست‌ها و برنامه‌های کنفرانسی نوآورانه و همچنین پشتیبانی از برنامه‌های پژوهشی و توسعه حرفه‌ای به منظور پرورش نسل آینده رهبران فرهنگی منطقه است. از ایران سه گالری دستان، سراپ و او شرکت دارند، اما هنرمندان ایرانی بسیاری از طریق دیگر گالری‌های خارج از ایران نیز معرفی شده و در این رویداد حضور خواهند داشت. آرت دویی که در سال ۲۰۰۷ تأسیس شد، گردهمایی هنر جهانی در خاورمیانه است. هرساله آرت دویی آثار ۱۲۰ گالری معاصر، مدرن و دیجیتال از بیش از ۴۰ کشور را به نمایش می‌گذارد. در این دوره دیدگاه‌های جهانی جدید را در چهار بخش ارائه می‌کند: معاصر، مدرن، باوایا و دیجیتال، و همچنین برنامه‌های موزای گسترده‌ای شامل سفارش‌های هنرمندان اصلی، اجراها، گفت‌وگوها، کارگاه‌ها و برنامه‌های آموزشی.

فستیوال موسیقی کوچ‌بوشهر برگزار می‌شود



جشنواره موسیقی فولکلور «کوچه» از ۵ تا ۱۰ اردیبهشت در بندر بوشهر برگزار می‌شود و این شهر میزبان گروه‌های موسیقی محلی از شمالی‌ترین تا جنوبی‌ترین استان‌های کشور خواهد بود. فستیوال موسیقی کوچ، یک جشنواره موسیقی بومی- محلی است که هرساله در بوشهر برگزار می‌شود. این جشنواره میزبان گروه‌های موسیقی محلی از سراسر ایران است. این رویداد تلاشی برای حفظ میراث خوانندگی و نوازندگی محلی است. درباره فستیوال موسیقی کوچ این‌طور نوشته شده است: «در کوچه‌ها، مردم ترانه می‌خوانند. ملودی‌های پس‌کوچه‌های جهان، خویش یکدیگرند، یاره‌هایی از یک پیکر. فستیوال موسیقی کوچ، می‌خواهد مرزمه‌های زیر لب، ترانه‌های پشت پنجره‌ها و آوازهای آخر شب رهگذران پس‌کوچه‌های همه خانه‌های ایران و جهان را بشنود. تلاش دارد در روزهای برگزآرایش، موسیقی ناب را، ساده و بی‌تکلف، برای ارتقای زیستن انسانی به گوش و قلب مخاطبانی برساند که هجوم صداهای سطحی و نازل محاصره‌شان کرده. فستیوال موسیقی کوچ، رویدادی است کاملاً مستقل که به همت تعدادی هنرمند و هنر دوست، هرساله، اسفندماه، در کوچه‌ای از کوچه‌های بندر بوشهر برگزار می‌گردد». احسان عبدی‌پور که از برگزارکنندگان این فستیوال است، گفته: «فستیوال موسیقی کوچ کاملاً مستقل بوده و بدون حمایت مالی از سوی هر شخص یا ارگانی برگزار می‌شود. در اساسنامه این فستیوال هیچ سود و دستمزدی برای برگزارکنندگان در نظر گرفته نشده است و بلیت‌فروشی تنها با هدف تأمین هزینه‌های برگزاری و پرداخت دستمزد گروه‌های موسیقی انجام شده است.»